

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سید موسی عثمان هستی

۲۹ دسمبر ۲۰۱۲

تانک سوار ۶ جدی، طعمه ماهیان دریای آموشد؟

چو ببرک نیستم ز روس پرستان
نترستم من از وارونه نویسان
به تاریخ نام من در لست عقابان
نباشم چون پر کاه در باد و طوفان
شاعری وزن و بی ترازو

وطن فروشان را به خاطر رسوائی بیشتر شان هم حق بدهید که بیشتر مانده دل به شش جدی خوش کنند و آنچه که من در قسمت رهبران حزب دموکراتیک خلق خصوصاً ببرک وطن فروش و سیاه روز شش جدی در تاریخ ملت غیور افغانستان نوشته ام، به نفع شاه شجاع تاریخ زده روسی برگردان و وارونه نویسی نمایند.

رود آبی که رفته باز در آن جوی
نخوردم سیر و دهانم نیست بدبوی
مگر فهمیدی که دریاستم نه جوی
که از دستم میکنی روی و سرموی
شاعری وزن و ب ترازو

قبلاً دریکی از نوشته های خود آورده بودم که سایتها از من خواهش کردند تا نوشته های خود را در قسمت نقد کتاب "رها در باد" به شکل پی دی اف به سایت ها ارسال کنم ولی در جواب چندسایت نوشتم که زیورنشر به خود گرفت. گفتم من نوشته های خود را به شکل پی دی اف ارسال نمی کنم. هر سایت مطابق پالیسی خود می تواند نوشته این قلم را ویراستاری کند و حتی می تواند کم و یا زیاد کند. مطلب از نقد کتاب "رها در باد" تنها نشان دادن رفتار نامطلوب و افشاگری های رهبران حزب دموکراتیک خلق توسط یک شاهد درونی و کدر برجسته سازمان زنان حزب دموکراتیک خلق که کتاب "رها در باد" را نوشته ، می باشد

قلم ثریابها رفت در کهکشانشا
نموده غوغا در زمین و آسمانشا
سیاه ساخت دل روس و پرستان
رها کرد باد خود در باد و طوفان

شاعری وزن وبی ترازو

خانم بهاء خودش یکی از قربانیان حزب دموکراتیک خلق بوده و چهره اصلی خابنن حزب دموکراتیک خلق خصوصاً شاخه بدنام پرچم راهدف قلم خودقرار داده است:

تورفتی ناآگاه درسنگر ببرکیان

نماند جای برتود زمین و آسمان

مرگ ببرک شد پر قو در طوفان

تفاله کرد او را خرس روسان

شاعری وزن وبی ترازو

مقصد نقد کتاب "رها در باد" توسط این قلم، نه توهین اعضای فریب خورده حزب دموکراتیک خلق، بلکه چهره های منحوسی که پوست خرس روسی را بروی خود کشیده اند، افشاء ساخته و افشاء می سازد و افشاء سازی ادمه دارد.

برو دستت خلاص ای خرس نامرد

که من هستم چو طوفان نیز چون رعد

نمودی گر جاسوس رنگ خود زرد

به دل داری غم زیاد وهم درد

شاعری وزن وبی ترازو

حالا هم می گویم که هرکس وهرسایت وهر وبلاگ نویس وصاحب فیس بوک می تواند نوشته های من رابه هرشکلی که ویراستاری می کند ویراستاری کند، به یک شرط که آن را به نفع وطن فروشان نچرخانند که من با این طایفه ابداً آشتی پذیرم نیستم.

ای پیروان ببرک خابن غدار

ازدست شما رفت ملت برسردار

ازوارونه نویسی ندارید مگر عار

بودی سگ روس، نبودی تو عیار

شعرازشاعری وزن وبی ترازو

چنانچه وطن فروشان شاخه پرچم زنجیری های ببرک نوشته های این قلم را وارونه نویسی کردند، دشنام مطابق سویه خود و رهبران خود دادند و داخل کمپیوتر من با استفاده از امکانات تکنالوژی شدند، تمام نوشته های من را به خاطر جعلکاری بردند، اما بر روحیه من تأثیر نکرد، بلکه همچو کوه هندوکش استوار در نوشته و نقد پابرجا ماندم وخودرا از دست ندادم حتی فکر نکردم که از تغییر نوشته های من چه سودی جعلکاران و خابنن می برند.

بپرس از روس واز روسی پرستان

چه شد آخر آن ببرک و ببرکیان

نگردم طعمه ماهی، دریا و طوفان

که دارم از خود تاریخ درخشان

شاعری وزن وبی ترازو

یک نویسنده وشاعریکه شصت سال نوشته و آثارش زنده وجاویداست از دست اندازی بر پیکرزنده نوشته های خود نبایدهراس کند، فکر کند همان طوری که سگی که از دریآب نوشد، دریابانوشیدن سگ مردار نمی شود

قلمم است خورشید درخشان

نکن خاین با دو انگشت پنهان

که گمنام ساختنم کی باشد آسان

سرانجام میثوی خاین پشیمان

شاعریوزن وبی ترازو

چنانچه که آفتاب بادوانگشت پنهان نمی شود دشنام و توهین شخصیت یک نویسنده شناخته شده را زیرسؤال نمی برد. تنها اشخاص کوتاه بین خود پسند و خود رای که پندار و کردارشان استوار به توهین و جعل سازی است شاید دل خوشی زود گزربه آنها دست بدهد ولی بر نویسنده تأثیر ندارد

نشستی زیرچادری مستعار نویسی

عقب خاین میروی بر دست بوسی

سرچپه وارونه نویسی و دیوئی

بوداین کارتو، ای خرس روسی

شاعریوزن وبی ترازو

همین که خوانندای نوشته را می خواند، می داند که نوشته وارونه نویسی شده و دیگر سؤال به خواننده باقی نمی ماند، در نتیجه نویسنده از روش نامطلوب جعلکاران ناراحت نمی شود

کی آسان من به دشمن می دهم تن؟

همچو کوه استاده ام بر ستون خویشتن

خون من سرخ همرنگ عقیق یمن

خون خ «ود را من دهم اندر راه وطن

شاعریوزن وبی ترازو

جهان انترنت بامجال دادن به جعلکاری منفوران انترنتی به جایی رسیده که باورخواننده را سر واقعیت ها هم کم کرده چه رسد به تقلب، صحنه سازی، وارونه ساختن نوشته ها. اگر دلخوشی جعلکاری، دشنام و اتهام بستن نیروی کاذب به جعلکاران و دسیسه بازان انترنتی مجال رذالت می دهد جلو جعلکاری انترنتی را از کج دستان افراد بی وجدان نمی توان گرفت.

سوار تانک شدی به ضد ملت از پی کین

به تو تاریخ درس داد ای ببرک بی دین

فکر کردی پریدی از فراز دیوار چین

دواندی چند سالی چموش خود بی زین

شاعریوزن وبی ترازو

و اگر کسی می نویسد که فلان رهبر وطن فروش سوار بر تانک روسی در شش جدی و یا سوار بر بی ام دوازده بی شرمانه داخل خاک ملت غیور افغان شده روس سرافکنده برآمده و آمریکا هم سرافکنده می براید

گذارید هر چه می کنند ببرکیان

نباشد قابل تشویش وطن پرستان

هنوز هم میرقصند بر ساز روسان

تفاله میشوند آخر، از دهن روسان

شاعریوزن وبی ترازو

یکی یا چند بی شرم به دفاع از خاینین پوست پشک بیشرمی برروی خود می کشند، بگذار که بیشرمانه پوست پشک برروی خود بکشند از بیشرمی رهبران تاریخ زده شان نمایندگی و دفاع غیرمشروع بکنند

ترا ملت افغان کرده است ترک

توپای ماندی در جای پای ببرک

نباشد در جاسوسی توهیچ شک

نماند از تونه پچک و نه سرک

شاعری وزن وبی ترازو

وقتی که رهبرش سوار بر تانک بی شرمانه در نقش شاه شجاع داخل خاک مقدس یک ملت مظلوم وبی دفاع می شود، بگذار که پیروانش هم مانند آن رهبر شاه شجاع مانند خود، پوست روباه مکار را برروی خود بکشند، دل ناشاد خود را شاد سازند و شش جدی را گرمی دارند که با این کار شان رسوا و رسواتر گردند

به خواب سایت ها آمد ببرک

به پیروان خود می گوید بدرک

کشیدی از تنم پندار و گفتار و کردار

به دریایم انداختی بی بیل و ترک

شاعریوزن وبی ترازو

اگر ببرک دوباره زنده شود و از دهن کوسه ماهی های دریای آمو نجات یابد، ببیند که پیروانش شش جدی را بی شرمانه در سایت های خود تجلیل کرده اند این بار خودش خود را به جای کفن در چین دوستم می پیچاند و به دریا آمو می اندازد تا دهن طالب هم نه باز «واز» ماند.

آنگاه بانو ثریا بهاء جلد دوم کتاب "رها در باد" خود را با رنگ و رونق و بوی زننده تر منتشر خواهد ساخت، زیرا از قدیم الایام گفته اند: چیزی که در دیگ است در کاسه می آید، به شرطی که چمچه گیر در باد رها نشود زیرا آن وقت مرداری اش عالم را خواهد گرفت چنانچه در همین جلد اول گرفته است.